

راهی جز این نیست: اجماع بر نامزد واحد

انتخابات در مصاحبه خبر نگار روز با محمد توسلی:

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ [۲۰۰۹.۰۲.۱۱]

"اگر ما در انتخابات شرکت کنیم و هدفمان تنها قدرت باشد به طور طبیعی دچار همان آفت هایی می شویم که روشنفکران ما در گذشته به آن دچار شده اند."

مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت و گو با روزضمن بیان مطلب فوق همچنین با اشاره به اینکه "ما ایرانیان در کارجمعی ضعیف هستیم" انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا را به جهت "حفظ آداب و اخلاق انتخابات" الگوی خوبی می خواند. این گفت و گو در پی می آید.

برای آنکه اصلاح طلبان در انتخابات پیش رو بتوانند از سد اصول گرایان عبور کنند چه شرایطی را باید ایجاد کنند؟

برای موفقیت نامزد اصلاح طلبان در انتخابات آتی، نخستین و مهمترین توصیه این است که با توجه به شرایط جاری کشور و موانعی که برای ورود نامزد اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد - که شواهد و قرائن آن کاملاً مشهود است - باید با گفت و گو و تعامل به نامزد واحدی برسند. زیرا اگر هر یک از نامزدهای متفاوت مانند آقای خاتمی، کروبی و موسوی جداگانه در انتخابات شرکت کنند، آرایشان تقسیم می شود و به طور قطع یقین نامزد محافظه کاران در انتخابات آتی پیروز خواهد بود.

اما به طور مشخص با توجه به الگویی که انتخابات آمریکا به ویژه در رقابت خانم کلینتون و اوباما و اوباما با مکین مشاهده کردیم، و با توجه به شرایط حساس کشور، شما راه حلتان برای بیرون آمدن اصلاح طلبان از تفرقی که با حضور چند کاندیدا به وجود آمده چیست؟

حال که آقای خاتمی کاندیداتوری خود را اعلام کرده و این اعلام کاندیداتوری با استقبال گسترده داخلی و بین المللی مواجه شده است، الزامات این مقطع تاریخی حکم می کند که آقای خاتمی با بقیه نامزدها - اگر چه ممکن است در انتخابات نیز حضور داشته باشند - تعامل داشته باشد و در نهایت آن بزرگواران نیز به نفع آقای خاتمی کنار بروند. البته آقای خاتمی نیز باید به طور مستمر با آنان در باره همکاری های انتخاباتی و همکاری های پس از مرحله پیروزی گفت و گو کند. از این منظر من معتقدم که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که پوشش وسیعی در سطح جهانی داشت و ملت ما نیز این انتخابات را دنبال می کرد، الگوی بسیار خوبی برای همکاری میان کاندیداهاست. تعاملی که نامزدهای مختلف در فرآیند انتخابات داشتند الگوی بسیار آموزنده ای در مورد انتخابات در کشورهای توسعه یافته است و نشان می دهد که آنها چگونه در راستای منافع ملی خودشان عمل می کنند. بنابراین در این شرایط نامزد های

اصلاح طلبان باید این توسعه یافتگی را در رفتار اجتماعی خودشان بروز بدهند و نهایتاً به نامزد واحد دست یابند. این توصیه را ما نه تنها از قبل بر آن تاکید کرده ایم بلکه بسیاری از صاحب‌نظران بر این موضوع انگشت تاکید گذاشته اند. حتی نامزدهای دیگر هم پذیرفته اند منتها روی سازوکاری که باید چگونه نامزد واحد انتخاب شود هنوز بحث دارند. البته این موضوع ایرادی ندارد و می‌توانند سازوکاری منطقی برای حل‌گره فوق پیدا کنند.

آیا شما در نهضت آزادی این آمادگی را دارید که در استان‌ها و شهرستان‌ها برای دست‌یابی به یک وحدت جبهه‌ای در انتخابات و ایجاد یک جنبش اجتماعی برای حفظ سلامت انتخابات وارد عمل شوید و در نهایت طیف‌های مختلف را به مرحله‌ای وارد کنید که منجر به گزینش کاندیدای واحد و در نهایت سلامت انتخابات شود؟

کاری که تا کنون ما انجام داده ایم در سطح رسانه‌ای بوده است به این معنی که ما در مصاحبه‌های خود و در یادداشت‌هایی که در نشریه‌های مختلف منتشر کرده ایم بر این ضرورت تاکید کرده ایم. من با اطلاعاتی که از بعضی از استان‌ها دارم و مصاحبه‌هایی که برخی از صاحب‌نظران در نشریات محلی خود داشته‌اند نیز مشاهده کرده‌ام که گفتمان حاضر، یعنی ریاست جمهوری به یک گفتمان غالب تبدیل شده و بسیاری به این واقعیت رسیده‌اند که راهی جز این نیست؛ بنا بر این من فکر می‌کنم زمینه اجتماعی چنین وحدتی فراهم شده است. اما در مرحله بعدی ما می‌توانیم از ارتباطات اجتماعی که داریم به صورت شخصی استفاده و زمینه‌های گفت‌وگو‌هایی را فراهم کنیم تا چنین نتیجه‌ای بتواند محقق بشود.

به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی یکی از مسائلی که می‌تواند تحت الشعاع مسایل انتخابات قرار بگیرد موضوع اخلاق انتخاباتی است. به نحوی که به طور مشخص به جای اینکه در مجموع کارنامه‌ای سنجیده شود، بر مسایل فردی و اخلاقی تاکید و در مورد کاندیداها قضاوت شده است. لذا این مهم است که بدانیم اخلاق انتخاباتی در چه حوزه‌هایی در کشور ما در معرض آسیب جدی قرار گرفته است و اصلاح طلبان باید روی چه موازینی حساس باشند؟

به نظر می‌رسد حوزه اصلی که در این فرآیند نقش کلیدی دارد خصوصیات فرهنگی و اجتماعی ما ایرانیان است. ما برخلاف کشورهای توسعه‌یافته به دلیل فرهنگ دیرین استبدادی که بر مناسبات، رفتار و شخصیت ما حاکم بوده است با کار جمعی کمتر مانوس هستیم و در این حوزه از آمادگی‌های لازم برخوردار نیستیم. نداشتن روحیه کار جمعی و نداشتن گذشت برای منافع ملی یکی از مسائلی است که ملت ما هزینه‌های سنگینی بابت آن‌ها پرداخته است. شما اگر تاریخ صد ساله ما را از مشروطه تا کنون مطالعه کنید مشاهده می‌کنید که یکی از بلیات و یکی از مشکلاتی که جامعه ما با آن روبرو بوده، همین خصوصیات روشنفکران جامعه ما است که در هر مقطعی به دلیل همین نقیصه هزینه‌های سنگینی را نه تنها برای جامعه ما بلکه برای قشر روشنفکر جامعه ما نیز به وجود آورده است. در حالیکه کشورهای توسعه‌یافته که در آنها دموکراسی نهادینه شده است، این تربیت را پیدا کرده‌اند و می‌توانند حول محورهای مشترک از نقاط افتراق خود به نفع منافع ملی و منافع جامعه چشم‌پوشی کنند. البته من

تصور می‌کنم که لاقل در میان سه نامزد بیشتر مطرح اصلاح طلبان، لاقل در دو بخش کمتر مشکل وجود داشته باشد. از این رو من میان آقای خاتمی و آقای موسوی فکر می‌کنم که چنین مفاهمه و چنین زمینه‌ای برای رسیدن به نقطه نظر مشترک وجود دارد. ما باید از شیخ اصلاحات یعنی آقای کروی هم این انتظار را داشته باشیم که با توجه به شرایط خطیری که در کشور وجود دارد و تاکید بر اینکه دوستان ایشان نیز در این مورد تصریح داشته‌اند، توجه کنند که اصلاح طلبان باید نامزد واحدی داشته باشند. یعنی ایشان در هر حال با بزرگواری و با احساس مسئولیت تاریخی، باید زمینه‌های یک چنین گفت و گو و تعاملی را با شخص آقای خاتمی و ستاد ایشان به وجود آورند. البته از آقای خاتمی و ستاد ایشان نیز می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که در یک چنین تعاملی بتوانند به این نتیجه‌ای که مورد انتظار همه است برسند. به نظر من این موضوع، آن مشکل اصلی و کلیدی است که ما انتظار داریم این بزرگواران در این مقطع بر آن خصوصیت فرهنگی دیرینه‌ای که مشکل آفرین بوده است، غلبه کنند و این بار رشد و توسعه یافتگی خود را به منصفه ظهور و بروز برسانند. من فکرمی‌کنم اگر چنین اتفاقی در ایران روی بدهد، در واقع یک جهشی در همکاری‌های اجتماعی خواهد بود.

آقای توسلی آیا این درست است که شخص، به عنوان یک روشنفکر یا نیروی سیاسی به گونه‌ای حرکت کند که منافع ملی و استراتژی کلانی که در پشت حرکت انتخابات قرار گرفته بود، امروز پشت سر حرکت او قرار بگیرد؟

به نظر می‌رسد روشنفکران باید واقع بین باشند و بدانند که اگر در انتخابات یا حوزه سیاسی حضور و مشارکت دارند در راستای احساس وظیفه ملی و دینی و اجتماعی شان است. از این رو اگر دست به یک عمل اجتماعی می‌زنند، بر این اساس نباید هیچ منتهی بر کسی داشته باشند. این نقطه کلیدی در حفظ آداب و اخلاق انتخابات است. اگر ما در انتخابات شرکت کنیم و هدفمان تنها قدرت باشد به طور طبیعی دچار همان آفت‌هایی می‌شویم که روشنفکران ما در گذشته شده‌اند. اما اگر هدف ما از حضور در انتخابات یا در مرحله بعدی شرکت در انتخابات و رای دادن و در نهایت هدف ما پاسخ به یک نیاز ملی باشد، اگر چه در این راه هزینه‌هایی را هم پرداخت بکنیم، نباید این هزینه را به دیگران تحمیل کنیم. برعکس در این حوزه هر روشنفکری باید به منافع ملی نگاه داشته باشد. اما از طرف دیگر وقتی مشکلی برای یک فرد، حزب یا جمعی در فرآیند انتخابات به وجود می‌آید، وظیفه مابقی روشنفکران و حتی آن کسانی هم که نامزد هستند - چه انتخاب شوند و چه انتخاب نشوند - این است که آنان نیز نسبت به این نوع وظیفه شناسی روشنفکران که در عمل اجتماعی مشارکت دارند بی تفاوت نباشند و در جهت دفاع از آنان هر نوع اقدام قانونی که به نظرشان می‌رسد انجام بدهند. من فکر می‌کنم اگر ما بتوانیم چنین تقسیم وظیفه و دو نگاه متفاوت را برجسته کنیم در این شرایط هیچ اعتراضی از هیچ طرف ایجاد نخواهد شد و همه، چه روشنفکران حمایت‌کننده و چه نامزد و ستادهایی که از آن نامزد حمایت می‌کنند، می‌توانند با یکدیگر به صورت جمعی در راستای هدف مشترک، یعنی ایفای وظیفه ملی، گام بردارند.